

مقدمه

سید نعمت الله جزائری فرزند عبدالله بن محمد موسوی جزائری از فقیهان و محدثان بزرگ شیعه در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در روستای صباحیه در نزدیکی شهر بصره متولد شد. وی در جزائر بصره، شیراز و اصفهان تحصیل نمود و از محضر اساتیدی چون علامه مجلسی بهره گرفت و در تألیف کتاب ستگ بحار الانوار و مرآۃ العقول با او همکاری داشت. سپس به شوشت آمد و در کنار تعلیم و تدریس، منصب قضاؤت و امامت جمعه را در آن دیار بر عهده گرفت. (امین عاملی، ۲۲۶ / ۱۰؛ خوانساری، ۱۵۱ / ۸) او افزون بر مجلسی از میرزا ابراهیم فرزند ملاصدرا، عبد علی بن جمعه عروی حوزی، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ حر عاملی نیز استفاده علمی کرد. عالمانی که از جرگه اخباریان معتمد به حساب می آیند. وی سرانجام در سال ۱۱۱۲ قمری به هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس در بین راه بیمار و در شهر پل دختر از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. (کرمی، ۱۳۸۵، دانشنامه جهان اسلام، ۲۵۰ / ۱۰) جزائری در ابتدای کتاب انوار النعمانیه خویش، زندگی نامه خودنوشته دارد که در سن ۳۹ سالگی به رشته تحریر در آورده و در آن به شرح وقایع زندگی خویش از سن پنج سالگی پرداخته و سیر مدارج علمی و سفرهای خود برای کسب دانش را بیان کرده است. این زندگی نامه در ابتدای کتاب تفسیر او نیز چاپ شده است. جزائری تأثیفات بسیاری در رشته‌های مختلف علمی همچون فقه، اصول فقه، ادبیات، حدیث، رجال، کلام و تفسیر دارد که تعداد آنها نزدیک به یکصد جلد می‌رسد و در مقدمه کتاب عقود المرجان به فهرست آنها اشاره شده است. از جمله این آثار می‌توان به جواهر الغولی فی شرح عوالی اللئالی (نک: افندی، ۲۵۴ / ۵ - ۲۵۵) که - با عنوان مدینه الحديث هم از آن یاد شده است - الانوار النعمانیه در شرح احوال انسان از قبل از تولد تا پس از مرگ، غایة المرام در شرح تهذیب الاحکام شیخ طوسی، کشف الاسرار فی شرح الاستبصار و حواشی و شرح به ترتیب بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه اشاره نمود. (برای نمونه نک: آقا بزرگ تهرانی، ۲ / ۲؛ ۳۶۰ / ۲۴؛ ۴۴۶ / ۱۶؛ ۱۸ - ۱۹؛ مشار، ج ۶ ستون ۶۳۰).

تحلیلی بر رویکرد تفسیری محدث جزائری

محسن قاسم پور^۱

مجتبی علی اکبریان^۲

چکیده

پس از عصر نزول قرآن در تاریخ تفسیر، شاهد بروز رویکردی هستیم که تفسیر قرآن را صرفاً در بستر دانش حدیث دنبال کرده است. بر اساس این رویکرد باب نظروری واجتهاد در حوزه معانی قرآن، مسدود بوده است. به همین علت بوده که شیخ طوسی از کسانی یاد می‌کندکه تفسیر هیچ بخشی از ظواهر قرآن را جز به کمک خبر متفق‌جایز نمی‌شمرده اند. نشانه‌های آشکار حضور این جریان روایت گروی را در سده پازدهم هجری و در میان گفتمان کسانی از مکتب اخباری مانند استر آبادی ملاحظه می‌کنیم. شایسته یادآوری است همه وابستگان به این جریان فکری در نگاه تفسیری خود یکسان نبوده اند. یکی از این مفسران، سید نعمت الله جزائری صاحب تفسیر عقود المرجان است. نوشته حاضر به بررسی روش تفسیری این مفسر می‌پردازد. این تفسیر با توجه به دیدگاه فکری مؤلف آن، در زمرة تفاسیر اخباری جای می‌گیرد. وی با وجود دیدگاه اخباری، علاوه بر استفاده از احادیث معصومان، از نظرات دیگر مفسران شیعه و سنتی بهره برده و آنها را به صورت گزینشی و منتخب در ذیل آیات بیان نموده است. مفسر در پاره‌ای موارد به گزینش و یا ترجیح قولی بر قول دیگر و یا حتی ارائه نظری ذیل آیه اقدام نموده است. به همین دلیل گرچه روح حاکم بر تفسیر وی برگرفته از اندیشه‌های اخبار گرایانه است اما در یک بیان کلی می‌توان گفت: این تفسیر، در فرازهای گونه گون خود از مشی اخباری گری خارج شده است. استناد به سخنان مفسرانی مانند شیخ طوسی و طبرسی و یا زمخشری و دیگرانی که تفسیری متفاوت از رویکرد اخباری داشته نشانه آشکار این خروج به شمار آمده و حتی می‌توان گفت اقوال آن هارا که خردورزانه است تلقی به قبول کرده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، مفسران، روش شناسی، اخباریان، سید نعمت الله جزائری، عقود المرجان

^۱- نویسنده مستول. دانشیار دانشگاه کاشان

^۲- دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

خبرایان که قائل به عدم فهم ظواهر قرآن برای غیر معصومان هستند، به چه دلیل دست به تفسیر قرآن کریم زده است؟ عدم اعتقاد به حجت ظواهر قرآن و فهم آن نکته ای است که دیدگاه عمدۀ اخباریان بدان انتساب یافته است. (استرآبادی، ۱۶۴؛ حرعاملی، ۱۸۶-۱۹۵) در عین حال همه اخباریان در این مقوله همداستان نیستند. به عنوان نمونه می‌توان گفت در اندیشه اعتدالی یوسف بحرانی موضوع عدم حجت ظواهر قرآنی صرفاً به حوزه احکام شرعی و آیات الاحکام منحصر گردیده است. (نک: بحرانی، ۳۲/۱) فیض کاشانی نیز از آن دسته از عالمانی است در میان اخباریان که دستیابی به معانی استوار ظواهر قرآنی را برای عالمان میسر می‌داند. (فیض کاشانی، ۲۳/۱) جزائری هم به سان یوسف بحرانی به چنین اندیشه ای متمایل است. به باور او تقسیم معانی قرآن به انواع سه گانه شامل بخش‌های فهم پذیر را می‌پذیرد. (معرفت، ۹۲/۱-۹۳)

گویی خود ایشان نیز به این سؤال توجه داشته است. چرا که در همین ابتدای کتاب به آن اشاره کرده و به عنوان دفع دخل مقدار آورده است: «بدان که ما در حاشیه قرآن، برخی از کلمات و آرای مفسران را می‌آوریم و شاید شما گمان کنید که این کار با آنچه اصحاب ما روایت کرده‌اند، منفات دارد که هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند و به سخن حق و درست هم برسد، باز خطأ کرده و کارش اشتباه است.^۱ تا جایی که یازان و دوستان اخباری ما بر این اعتقاد شده‌اند که تمام قرآن متشابه است و تفسیر هیچ بخشی از آن جز با حدیث و روایت جایز نیست.» (جزائری، ۲۹/۱)

وی در ادامه گفتار خویش با استناد به دیدگاه شیخ طوسی؛ به پاسخ این پرسش پرداخته و گفته است: «من در پاسخ می‌گویم در این باره حق همان است که شیخ طوسی؛ فرموده: روا نیست در کلام خداوند و سخنان اهل بیت تناقض باشد. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره شعراء فرموده است: «بِلِسَانِ عَرَبِيِّ مُبِينٌ»: این قرآن به زبان عربی آشکار است» و در جایی دیگر عدم تدبیر در آیات قرآن را مذمت کرده است. همچنین پیامبر(ص) فرموده: هر گاه حدیثی منسوب به من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید. (کلینی، ۶۹/۱) حال چگونه می‌توان گفت چیزی از این قرآن قابل فهم نیست؟ سپس شیخ طوسی؛ اقسام

عقود المرجان فی تفسیر القرآن^۱ تفسیر کل سوره‌های قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه خویش بر این کتاب، در بیان انگیزه و هدف خود از تألیف این تفسیر چنین آورده: «پس از توفیق الهی در نوشتن شرح کتابهای تهذیب و استیصار و توحید صدق و تألیف کتاب انوار النعمانیه، بار دیگر عنایت خداوند شامل حال من شد تا کتابی در تفسیر و تأویل آیات الهی، برگرفته از کلمات معصومان و نیز آرای مفسران بنویسم و امور مهم مربوط به قرائت و نکات دستوری و ادبی و ترکیب‌های نحوی را در حاشیه قرآن کریم بیاورم تا استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد. این شیوه، گونه‌ای شگفت و زیباست که تا کنون کسی به مانند آن انجام نداده است». (جزائری ۱/۲۹ و ۳۰)

وی همچنین در آخر کتاب و پس از به انجام رسیدن آن، آورده است: «از سالها پیش ذهنم به این فکر مشغول بود که بر حاشیه قرآن، مطالبی که مورد نیاز است را بنویسم و اکنون خداوند سبحان این توفیق را نصیبم کرد و این کار به گونه‌ای شگفت که هیچ سابقه‌ای در میان تألیفات متقدمان و متأخران ندارد، انجام شد. کسی که چنین قرآنی را همراه خود داشته باشد، از تمام کتب تفسیری و قرائت و مراجعه به احادیث تفسیری اهل بیت بی نیاز خواهد بود. چرا که من گلچینی از این کتابها را برگرفته و آورده‌ام.» (همو، ۵/۵۱۷)

در زیر به مهم‌ترین خطوط در اندیشه و روش تفسیری سید نعمت الله جزایری پرداخته می‌شود.

۱- رویکرد اخباری جزائری و تفسیر قرآن

شاید در اینجا سوالی در ذهن خوانندگانی که با مسلک فکری و علمی سید نعمت الله جزائری آشنا باشند، به وجود بباید که ایشان با وجود مسلک اخباری‌گری و انتساب به

^۱ این کتاب توسط موسسه فرهنگی شمس‌الضحلی، تحقیق و تصحیح شده و در سال ۱۳۸۸ شمسی، چاپ نخست آن در پنج مجلد در قطع وزیری توسط انتشارات نور وحی وارد بازار شده است. در توضیحی که توسط گروه تحقیق در ابتدای کتاب آورده شده، آمده است: «اکثر قریب به اتفاق مطالب کتاب، توسط خود مؤلف نوشته شده و اندکی از مطالب، از غیر ایشان است که ممکن است به امر او یا پس از وی نوشته شده باشد که این موارد با علانمی در متن کتاب نشان داده شده است. دیگر آنکه مطالب و روایاتی که مؤلف در این کتاب آورده، گاه توسط ایشان تلخیص شده و گاه مضمون آنها با زیبادی آورده شده است». (مقدمه کتاب، ص ۲۷)

چهارگانه‌ای برای آیات قرآن برمی‌شمارد. اول آیاتی که علم آن به خداوند متعال اختصاص دارد. مانند آیه ۳۴ سوره لقمان که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ» : علم به روز قیامت تنها در نزد خداوند است. دوم آیاتی که هر کس به زبان عربی آشنا باشد، معنای آنها را می‌فهمد. مانند «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» : بگو خدا یکی است. سوم آیاتی که معنای آنها مجمل است و ظاهرشان از معنایشان خبر نمی‌دهد. مانند «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» : و نماز را برپا دارید که جزئیات آنها جز با سخنان پیامبر(ص) قابل فهم نیست. چهارم، گونه‌ای که لفظی مشترک بین دو یا چند معنا در آیه وجود دارد. در این موارد جایز نیست به طور قطع یک معنا از معانی مشترک را اراده کیم مگر آنکه نصی صریح نسبت به آن وجود داشته باشد. بنابراین نهی از تفسیر به رأی قرآن، شامل گونه اول به طور مطلق و گونه‌های سوم و چهارم در صورت اراده تفصیلی از آنها می‌باشد.» (مقدمه مؤلف، ۲۹/۱ به نقل از طوسی)

این سخن را می‌توان از دو نقطه نظر مورد بررسی قرار داد: نخست آن که از یک سو می‌توان شاهدی بر درستی انتساب نظریه عدم حجیت و فهم ظواهر قرآن و جایز نبودن تفسیر دست کم به برخی از اخباریان دانست، چرا که ممکن است برخی در آن تشکیک کرده و این نسبت را نادرست بدانند.^۱ ایشان خود که از معاصران اخباریان و جزئی از آنها به شمار می‌آید، بر این انتساب صحه گذاشته و آن را تأیید کرده است. این مطلب در دیگر کتب جزائری همچون منبع الحياة نیز آمده، وی در آنجا با نقل آرای اخباریان و مجتهدان نسبت به حجیت منابع استنباط احکام، متشابه بودن همه قرآن برای غیر معصومان و عدم جواز استنباط و اخذ احکام از آن بدون مراجعه به احادیث را از جمله عقاید اخباریان نسبت به قرآن کریم برشمرده است. (جزائری، منبع الحياة، ۴۴ و ۴۸)

این سخن همچنین نشان می‌دهد که همه اخباریان در یک سطح نبوده و از جهت فکری و مبنای هم اختلافاتی داشته‌اند. برای نمونه خود جزائری نظر آنها را رد کرده و بر خلاف عموم اخباریان، تفسیر قرآن را نسبت به مواردی که شیخ طوسی برشمرده، جایز دانسته است. وی در کتاب منبع الحياة نیز نفی مطلق حجیت قرآن نسبت به احکام از سوی

۴۶ // پژوهش دینی، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
خبریان را نظری بدون وجه شمرده و بر وجود آیات محکم و ظاهر الدلاله در قرآن کریم تأکید نموده است. (همانجا، ۴۴) بدین سان وی ظواهر آیات قرآن وسنت را حجت می‌داند. (همانجا، ۴۹).

به عبارتی دیگر او از زمرة اخباریان نسبتاً معتدل بوده و به تعبیر مشهور، طریقه اعتدال وحد وسط را برگزیده بوده است. وی در کتابها و رساله‌های متعدد خویش به اخذ چنین مسلکی تصریح و آن را روش استادش محمد باقر مجلسی نیز ذکر کرده است. چنین می‌نماید که پژوهشگران بر اساس سخنان خود جزائری که به صراحة به این طریق اعتدالی و پرهیز از تندروی‌های دیگر اخباریان، اذعان کرده چنین برداشتی از رویکرد اعتدالی او دارند. (برای نمونه نک: جزائری، غایه المرام، ۱/۴۰، ۲/۱۴) اور توضیح طریقه اعتدالی، آن را اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن در تشریع معرفی نموده که نه مانند طریق مجتهدان اصولی است که در استنباط احکام به قواعد و استدلالهای عقلی تکیه زده‌اند و نه مانند اخباریانی همچون محمدامین استرآبادی که هرگونه استنباط مبتنی بر قواعد ظنی را انکار کرده و عمل به ظواهر قرآن را از مصاديق آن شمرده‌اند. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۰/۲۵۱).

۲- منابع تفسیر جزائری

تفسر برای تأییف این اثر هم از منابع متعدد روایی بهره برده و هم از منابع و متنون تفسیری. روایاتی که در این تفسیر آمده، گاه از منابع معتبر همچون کتاب کافی-به مثابه منبعی از منابع معتبر امامیه-، و گاه از منابعی با اعتبار کمتر همچون تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. در مجموع می‌توان روایات این کتاب را برگرفته از منابعی مثل الکافی، علل الشرایع، تفسیر قمی، تفسیر نور الثقلین، معانی الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، الخصال، الاحتجاج، التهذیب، عيون اخبار الرضا (ع) و ... دانست.

وی همچنین در تفسیر خود از منابع تفسیری متعدد و گوناگون شیعی و سنتی همچون مجمع البيان، تفسیر الصافی، تفسیر العیاشی، التبیان شیخ طوسی، تفسیر غرائب القرآن نیشابوری، تفسیر البيضانی، الکشاف، التیسیر و ... بهره برده است. اما بیشتر مباحث ادبی و اعرابی آیات را از تفسیر کشاف زمخشri و عمدۀ نظرات تفسیری ناظر به محتوای آیات را از تفاسیر مجمع البيان و بیضاوی و مواردی هم از تفسیر صافی نقل قول نموده است. وی در تفسیر

۱ - نک: نادرستی انتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ۱۳

آیات الاحکام از کتاب مسالک الإفہام از جواد بن سعید معروف به فاضل جواد از عالمان سده یازدهم استفاده زیادی برده و در مواردی عین نصوص آن را آورده است. آشکار است مفسری مانند وی در تبیین آیات الهی خود را منحصر در اقوال صرف روایی نکرده و از آراء دیگر مفسران که به شیوه ایی جامع و فراگیر در تفسیر قرآن بهره گرفته اند، استفاده کرده است. این نگاه به منابع تفسیری به خصوص مفسرانی مانند شیخ طوسی و یا زمخشری و نیشابوری او را از دیگر مفسران اخباری تمایز کرده است. به بیان دیگر، این رویکرد تفسیری نمی تواند نسبتی با عدم اعتقاد به حجیت ظواهر قرآن که باور افراطی گروهی از مفسران اخباری است، داشته باشد.

۲-۱- نحوه استناد به منابع توسط مؤلف

در ارتباط با استناد به منابع، چنین باید گفت که مؤلف در مواردی اندک، نامی از منابع و مأخذی که روایات یا نظرات مفسران را از آنها نقل کرده، برده است و در اکثر موارد از این موضوع مهم غفلت ورزیده و ذکری از این منابع به میان نیاورده است. یکی از کارهای اصلی محققان این اثر، یافتن منابع این تفسیر اعم از روایات و آرای مفسران بوده که مؤلف از آنها استفاده نموده است که در این کار توفیق نسبتاً شایانی به دست آورده‌اند و غالب این منابع شناسایی شده و در پاورقی به آنها اشاره شده است.

به عنوان نمونه، جزائری در ابتدای سوره آل عمران پس از اشاره به فضیلت و اهمیت تلاوت این سوره، در تفسیر آیات «اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقِيقُ الْقَيُّومُ» آورده است: «روی عن ائمّتنا أن الحروف المقطعة في أوائل السور من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها غيره. وعن الشعبي قال: لله في كل كتاب سر و سره في القرآن حروف التهجي في أوائل السور.» (۲۸۲/۱)

وی در ادامه تفسیر حروف مقطوعه با استناد به روایتی از امام صادق (ع)، به نوعی تفسیر حروفی از آن ارائه کرده و درباره قرائت و فراز دیگر آیه گفته است: «عن الصادق (ع) و اما "الله" في آل عمران فمعناه: أنا الله المجيد.قرأ أبو جعفر بسكون الميم وقطع همزة "الله" و الباقون موصولاً وبفتح الميم. "الحي القيوم" عن ابن عباس أنه اسم الله الاعظم وهو الذي دعا به أصف بن برخيا في حمل عرش بلقيس.» (همانجا)

۴۸ // پژوهش دینی، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
همان گونه که ملاحظه می شود، مؤلف برای روایات و نیز نقل قولهایی که از کتب مفسران در اینجا آورده است هیچ منبعی ذکر نکرده، اما با مصدریابی این اقوال توسط محققان این تفسیر، مشخص شده که روایت مذکور درباره حروف مقطوعه و کلام شعبی در این موضوع و نیز نظر بیان شده پیرامون نوع قرائت آیه و معنای "الحی القيوم"، برگرفته از تفسیر مجمع البيان (۱۱۲/۱ و ۶۹۴/۲) و روایت مذکور از امام صادق (ع) در معنای "الله" از کتاب معانی الاخبار (ص ۲۲) می باشد.

۲-۲- شیوه استفاده از منابع در عقود المرجان

شیوه مؤلف در نقل روایات و کلمات دیگر مفسران به این ترتیب است که در برخی موارد، عین روایت یا آرای مفسران را آورده و در بعضی موارد، مضمون و محتوای آنها را به صورت خلاصه نقل کرده است. در مواردی نیز این کار به صورت بیان چکیده انجام شده که موجب دشوار شدن یافتن منبع آنها بر محققان اثر گشته است. از باب نمونه با نظر به مطلب پیش گفته از مؤلف پیرامون آیات ابتدایی سوره آل عمران و رجوع به منابع اصلی آنها روشن می شود که مؤلف، روایات و نظرات مفسران را به صورت گزینشی و گاه با نقل به مضمون آورده است.

در تفسیر مجمع البيان در ابتدای سوره بقره و بیان معنای حروف مقطوعه آن، آمده است: «أنها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو هذا هو المروي عن أئمتنا. وروت العامة عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال إن لكل كتاب صفة وصفوة هذا الكتاب حروف التهجي. وعن الشعبي قال: لله في كل كتاب سر و سره في القرآن سائر حروف الهجاء المذكورة في أوائل السور وفسوها الآخرون على وجوهه.» (طبرسی، ۱۱۲/۱)
اما جزائری مؤلف تفسیر عقود المرجان، عبارتی که زیر آن خط کشیده شده را به صورت گزینشی برای حروف مقطوعه در ابتدای سوره آل عمران آورده است.

همچنین روایتی که از معانی الاخبار نقل شده، به این صورت در آن کتاب آمده است: «عَنْ سُفِيَّانَ بْنِ السَّعِيدِ الثَّوْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِجَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): يَا أَبَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمَ وَ الْمَصَ وَ الرَّ وَ الْمَرَ وَ كَهِيْعَصَ وَ طَهَ وَ طَسَ وَ طَسَمَ وَ يِسَ وَ صَ وَ حَمَ وَ حَمَ عَسَقَ وَ قَ وَ نَ. قَالَ (ع): أَمَّا الْمِ فِي

۵۰/// پژوهش دینی، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

با نظر به مطالب بیان شده، نقل روایات از منابع مختلف در تفسیر آیات، از اجزاء اصلی روش تفسیری مؤلف می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این باره آن است که سند هیچ یک از این روایات، در این تفسیر نیامده است. با بررسی استناد روایات به کار رفته در عقود المرجان، مشخص می‌شود که برخی از این احادیث، معتبر و از نظر سندي صحیح هستند و برخی ضعیف و موارد اندکی هم نادرست و احتمالاً مجعلو به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه مصاديقی از این موارد را از نظر می‌گذرانیم.

۳-۱- نمونه احادیث معتبر

۳-۱-۱- نمونه اول :

مؤلف در ذیل آیه ۱۷ از سوره آل عمران: «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَاتِلِينَ وَ الْمُنْفَقِيْنَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» در تفسیر استغفارکنندگان در وقت سحر، روایتی را از امام صادق (ع) از کتاب الخصال محدث شهیر شیخ صدوق؛ بدین صورت نقل کرده است: «عن الصادق (ع): مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّيْ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ هُوَ قَائِمٌ فَوَاضَبَ عَلَى ذَلِكَ سَنَةً كُتُبَ عَنَ الدَّلَّهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْمُغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» (همانجا، ۲۹۱/۱، ۲۹۱)

این روایت که بدون سند نقل شده، در کتاب الخصال با سند زیر وجود دارد: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ وَ لَا أَعْلَمُ إِلَّا عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي وَتْرِهِ إِذَا أَوْتَرَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ مَرَّةً....» (صدوق، ۵۸۱/۲)

با مراجعه به کتب رجالی و جستجو در احوال روایان، مشخص می‌شود که این حدیث از نظر سندي صحیح و معتبر می‌باشد. (نک: خویی، شماره‌های ۹۲۸، ۱۲۰۰۴، ۸۹۸، ۳۰۷۰ و ۸۸۱۷)

۳-۱-۲- نمونه دوم :

از جمله احادیث صحیح این تفسیر، روایتی است که مؤلف در ذیل آیه ۱۷ سوره نساء: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ

تحليلی بر رویکرد تفسیری جزائری ۴۹///

أَوْلِ الْبَقَرَةَ فَمَعْنَاهُ أَنَّ اللَّهَ الْمَلِكُ وَ أَمَّا الْمُمْكِنُ فَمَعْنَاهُ أَنَّ اللَّهَ الْمَجِيدُ وَ الْمُصْ

...» (صدق، معانی الاخبار، ۲۲)

چنانکه مشاهده می‌شود، مؤلف تنها بخش مربوط به معنای "الم" در ابتدای سوره آل عمران را به طور گزینشی در معنای این آیه نقل کرده است.

در مورد نظر ارائه شده پیرامون نوع قرائت آیه هم در تفسیر مجمع البيان چنین آمده است: «القراءة: قرأ أبو جعفر والأعشى والبرجمي عن أبي بكر عن عاصم، الم الله بسكن الميم وقطع همزة الله وقرأ الباقون موصولاً وبفتح الميم وروي في الشواذ عن عمر بن الخطاب وابن مسعود وإبراهيم التخعي والأعمش وعن زيد بن علي بن الحسين وعن جعفر بن محمد الصادق وعن النبي (ص) الحي القيام وروي عن الحسن الإنجيل بفتح الهمزة.» (طبرسی ۶۹۴/۲)

که صاحب عقود المرجان، قسمتی را که زیر آن خط کشیده شده به صورت خلاصه و حذف بعضی کلمات آورده است. معنای "الحي القيوم" هم که جزائری بلا فاصله بعد از این مطلب آورده، در تفسیر مجمع البيان، در دو صفحه بعد و به این صورت آمده است: «المعنى: إن الله تعالى لما ختم سورة البقرة بذكر التوحيد والإيمان افتتح هذه السورة بالتوحيد والإيمان أيضاً فقال «الم» وقد ذكرنا الاختلاف فيه وفي معناه وفي محله في أول سورة البقرة «الله لا إله إلا هو الحي القيوم» وقد ذكرنا ما فيه في تفسير آية الكرسي وروي عن ابن عباس أنه قال «الله الحي القيوم» اسم الله الأعظم وهو الذي دعا به أصنف بن بريخا صاحب سليمان (ع) في حمل عرش بلقيس من سبيا إلى سليمان قبل أن يرتد إليه طرفه ...» (همو، ۶۹۶/۲)

که باز هم بخشی از آن انتخاب شده و در تفسیر عقود المرجان در ذیل آیه دوم آل عمران بیان شده است. این سبک و شیوه را می‌توان در تفسیر تمام آیه‌ها و سوره‌های این کتاب مشاهده نمود. یعنی بیان روایات و آرای مفسران به صورت نقل قول کامل یا گزینشی و خلاصه شده، بدون هیچ شرح و توضیحی از سوی خود مؤلف که غالب این موارد نیز بدون ذکر منبع استفاده شده می‌باشد.

۳- چگونگی تفسیر به مؤثر در عقود المرجان

الله عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» از امام صادق (ع) و به نقل از کتاب معتبر کافی و البته بدون ذکر سند آورده است:

(عن الصادق (ع): إِذَا بَأْغَتَ النَّفْسُ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ لَمْ يَكُنْ لِلْعَالَمِ تَوْبَةً ثُمَّ قَرَأَ إِنَّمَا التَّوْبَةُ... الآية) (همانجا، ۱/۴۲۸)

سند این روایت در کتاب کافی چنین است: عَلَيْيِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... (کلینی، ۱/۴۷)

با مراجعه به کتب رجالی مشخص می‌شود که راویان این حدیث نیز همگی ثقه هستند و این روایت هم صحیح و معتبر می‌باشد. (نک: خوبی، شماره‌های ۷۸۱۶، ۳۳۲، ۱۰۰۱۸ و ۲۳۶۱)

۳-۱- نمونه احادیث ضعیف

۳-۲- نمونه اول :

جزائری در ابتدای سوره حمد در رابطه با «بسم الله الرحمن الرحيم» چند روایت نقل نموده که یکی از آنها روایت ذیل می‌باشد:

”قال الصادق (ع): أَكْتَبِ الْبَسْمَةَ مِنْ أَجْوَدِ كَاتِبِكَ وَ لَا تَمْدَدِ الْبَاءَ حَتَّى تَرْفَعَ السَّينَ“ (همو، ۱/۳۲)

این روایت نیز که از کتاب کافی نقل شده از سند ذیل برخوردار است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ سَيْفِ بْنِ هَارُونَ مَوْلَى آلِ جَعْدَةَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) ... (کلینی، ۲/۶۷۲)

با توجه به بررسی احوال راویان این حدیث در منابع رجالی، مشخص می‌شود محمد بن علی که در این سند وجود دارد، مشهور به ابو سمنه و دارای جرح است و فردی بسیار ضعیف و فاسد الاعتقاد شمرده شده (خوبی، شماره ۱۱۲۵۹، ۱۶/۲۹۷) از این رو حدیث فوق از جهت سندی، ضعیف به شمار می‌آید.

۳-۲- نمونه دوم :

/// پژوهش دینی، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ //۵۲
همچنین در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رسالتَهُ...» که آیه ۶۷ سوره مائدہ است، مؤلف چندین روایت آورده است. از جمله روایتی که در ظاهر بر تحریف قرآن دلالت دارد:

«وَ فِي كِتَابِ الْاحْتِجاجِ عَنِ الْبَاقِرِ (ع) أَنَّ الْآيَةَ هَكُذا نَزَلتْ : يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ فِي عَلَيٍّ (ع) وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رسالتَهُ...» (ابو منصور طبرسی، ۱/۶۲۰)

این روایت هم با توجه به متن آن که مخالف با عقیده عموم مسلمانان به خصوص عالمان شیعی (نک: حسینی میلانی، ۹-۲۵) مبنی بر عدم نقصان و زیادت در قرآن است، روایتی نامعتبر و یا حداقل قابل تأویل می‌باشد. به باور استاد معرفت آغازگر اصلی بحث از تحریف قرآن در قرون اخیر برخی روایات استفاده شده توسط همین جزائری در کتاب منبع الْحَيَاةِ اُوْسَتْ. (معرفت، ۱۵۸).

بنابراین همان طور که از این موارد مشاهده شد، روایات ذکر شده در این تفسیر، همگی بدون سند، گاه از منابع معتبر و صحیح و گاه از غیر آنها و از جمله احادیث ضعیف می‌باشند. بدین سان تفسیر عقود المرجان جزائری هم چون دیگر تفاسیر روایی دیگر از آفت و آسیب روایات ضعیف و سوت و ناستوار مصون نمانده است.

۴- اجتهادات تفسیری جزائری

کاربرست این عنوان در خصوص یک تفسیر روایی و محدث و عالمی که به جرگه مفسران اخباری منسوب است می‌توان از اعتبار و جایگاه استواری برخوردار باشد. به بیانی ساده‌تر آیا یک عالم اخباری هرچند دارای مشی ایی اعتدالی را می‌توان در حوزه تفسیر قرآن دارای اجتهاد و نظر ورزی به حساب آورد. به کار گیری چنین انگاره‌ای در باره چنین مفسری دور از انتظار نیست. چنان که در میان اهل سنت نیز چنین انگاره‌ای برای برخی نظیر محمد بن جریر طبری به کار رفته است. زیرا طبری هم در جاهایی در تفسیر خود دارای آراء اجتهادی است. مانند گزینش او در مباحث لغوی و برخی نظریات در حوزه قرائت. به همین ترتیب می‌توان گفت، روش جزائری در ارائه تفسیر آیات گاهی اجتهادی است. روش وی ابتدا این گونه است که در آغاز هر سوره، روایاتی درباره فضیلت و ثواب تلاوت آن می‌آورد و سپس به ترتیب آیات، به تفسیر آنها با اولویت سخنان و کلمات معصومان می‌پردازد. به این

جزائری گاه بعد از نقل روایاتی در تفسیر آیات، نسبت به آن روایت اظهار نظری کرده است. همچون آیه ۲۵ سوره بقره که در توضیح کلمه "خالدون" به حدیثی از امام صادق (ع) درباره علت خلود اهل جهنم در آتش و اهل بهشت در بهشت اشاره کرده که سبب آن، نیت‌های آنان در انجام دائمی اعمال نیک و بد عنوان شده است. (کلینی، ۸۵/۲) سپس اضافه نموده: «أقول: هذا الحديث اشارة الى معنى آخر لقوله (ع) نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله (همو، ۸۴/۲)؛ جزائری گفته است: به عقیده من این حديث اشاره به معنای دیگری از سخن پیامبر (ص) دارد که نیت مؤمن برتر از عمل او و نیت کافر بدتر از کردار اوست.» (۵۳/۱) انتخاب و گزینش حديث در تبیین مفهوم خلود و نسبت آن با نیت، از نکاتی است که هرچند به طورنسی، هم که شده جزائری در تفسیر آیه فوق از آن بهره گرفته است.

۴-۱-۳- نمونه سوم :

همچنین جزائری در تفسیر آیه ۲۶۱ از سوره بقره: «مَئِلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَلَ حَبَّةً أَنْبَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبْلَهِ مِائَهُ حَبَّةٍ...» حدیثی از مفضل به نقل از امام صادق (ع) بدین صورت آورده است:

«عن المفضل قال سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله «كَمَلَ حَبَّةً أَنْبَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ» قال: الحبة فاطمة و السبع السنابل سبعة من ولدتها سابعهم قائمهم، قلت: الحسن؟ قال: إن الحسن إمام من الله مفترض طاعته ولكن ليس من السنابل السبعة. أولهم الحسين وآخرهم القائم...» (عياشی سمرقندی، ۱۴۷/۱)

این روایت، هفت سنبله یا خوشه گندم را به هفت فرزند از ذریه حضرت فاطمه تطبیق کرده که هفتمنی آنها امام قائم (ع) خواهد بود. روشن است که این معنا با روایات دیگر سازگار نیست چرا که در آنها امام قائم، امام دوازدهم معرفی شده که دهمین فرزند حضرت فاطمه می‌شود. از این رو جزائری بعد از نقل این روایت گفته است: «أقول: يمكن تأویل هذا الحديث و حمله على حذف المكرر من أسمائهم؛ می‌توان این روایت را تأویل نمود و آن را بر حذف اسامی تکراری از نام ائمه حمل نمود.» (جزائری، عقود المرجان، ۲۵۳/۱) این

صورت که اگر روایتی در مورد محتوا و مضمون آن آیه وجود داشته، ابتدا آنها را نقل کرده و در ادامه برای تفسیر فرازها و عبارات آیات از سخنان و نظرات دیگر مفسران بهره برده است. پس از آن وی در موارد بسیار اندکی، پس از نقل روایات یا کلمات مفسران، به اظهار نظر پیرامون آیات یا مطالب نقل شده پرداخته است. با بررسی تعداد این موارد که در بردارنده رأی و نظری از مؤلف بوده، در کل جلد اول که شامل پنج سوره ابتدایی قرآن کریم و در بردارنده ۷۹۰ آیه است، حدود هشتاد مورد اظهار نظر از مؤلف مشاهده می‌شود که غالباً با کلمه "اقول" یا "الظاهر" همراه است و این موارد نیز عمدها در قالب جملات و سطور محدودی می‌باشند. به عبارتی در ذیل حدود ده درصد آیات از این پنج سوره، اجتهادات تفسیری جزائری دیده می‌شود که در ذیل به صورت مصدقی به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۱- اظهار نظرهای مستقل

۴-۱-۱- نمونه اول :

از جمله آرای اجتهادی جزائری در تفسیرش، سخن او در تفسیر آیه ۱۴ از سوره آل عمران: «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ...» و در توضیح عبارت «أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ» می‌باشد. او بعد از بیان نظرات دیگر مفسران پیرامون این آیه، آورده است: «أقول: يجوز أن يكون الترديد والإبهام بين الموت والقتل إشارة إلى ما ورد على النبي (ص) و كان سبباً لموته و ذلك أنه سقى السم مرتين. أحدهما: ما سقته إيه اليهودية الخبيثة...؛ ممكن است ترديد و ابهامی که در آیه درباره شهادت یا مرگ طبیعی رسول خدا (ص) بیان شده، اشاره به جریانی باشد که برای ایشان واقع شد و مرگشان را به دنبال داشت. چرا که دو مرتبه به پیامبر (ص) سم خورانده شد. اول توسط یک زن یهودی از قبیله خبیر...» (۳۷۱/۱)

که این اظهار نظر درباره مفاد یک آیه به گونه مستقل اگرچه به صورت احتمالی، تفسیری اجتهادی تلقی می‌شود.

۴-۱-۲- نمونه دوم :

شیوه رویکرد حدیثی و رویگردانی از معنای ظاهري و تمایل به تاویل آن از مولفه های اجتهادی هرچند محدود در تفسیر به شمار می آید.

۴-۲- ترجیح یکی از اقوال به مثابه دیدگاه تفسیری مؤلف

در میان اظهار نظرهای مؤلف در تفسیر آیات، مواردی مربوط به ترجیح یکی از اقوال مطرح شده به چشم می‌خورد.. این موارد درست همان مواضعی است که به نظر می‌آید وی از مشی اخباری در تفسیر قرآن خارج شده است. برخی نمونه‌ها شایسته ذکر است :

۴-۱- نمونه اول:

برای مثال ایشان در تفسیر آیه چهارم از سوره مبارکه حمد، آورده است: «مالک یوم الدین» قرأ عاصم و الكسائي و خلف و يعقوب : «مالك» بالالف و الباقيون: «ملک» بغير ألف. و ذكر المفسرون في ترجيح كل من القرائتين وجوها كثيرة. والظاهر أن ملكه سبحانه و مالكيته متلازمان و الوارد في الأخبار لفظ المالك وبه ترجح قراءة الألف ؛ عاصم و الكسائي و يعقوب كلمه مالک را با الف و دیگران بدون الف قرائت کرده‌اند و مفسران در ترجح هر یک از این دو قول، وجوه بسیاری گفته‌اند. اما ظاهر آن است که مُلک و مالکیت خداوند متعال با یکدیگر تلازم دارند. از سویی در روایات نیز لفظ مالک وارد شده، بنابراین قرائت این کلامه با الف، ترجح خواهد داشت». (هم، ۱/۳۳)

آن دو ترجیح داده و به عنوان نظر خود اعلام کرده است.
۴-۲-۲- نمونه دوم:
مثال دیگر در این رابطه، آیه ۳۴ سوره بقره است. مرحوم جزائری پس از نقل اختلاف نظر درباره ماهیت ابلیس که آیا جزء فرشتگان بوده یا خیر، به نظر شیخ طوسی و شیخ مفید دراین باره اشاره می‌کند که اولی معتقد به فرشته بودن او و دومی قائل به جن بودن او هستند. سپس با ترجیح نظریه تعلق او به جنیان می‌گوید: «وَالْحَقُّ أَنَّ الْأَخْبَارَ الدَّالَّةَ عَلَى أَنَّهُ مِنَ الْجِنِّ مُتَظَافِرٌ وَمَا عَارَضَهَا سَبِيلٌ إِمَّا الْحَمْلُ عَلَى التَّقْيَةِ أَوْ عَلَى ضَرْبِ مِنَ التَّأْوِيلِ؛ حَقٌّ اِنْ اَنْ اَخْبَارَ وَرَوْيَاتِي که می‌گویند شیطان از طایفه جن بوده، متظاهر هستند. اما روایاتی

۱۳۹۴ // پژوهش دینی، شماره ۳۱ پاییز و زمستان ۵۶
که غیر از این مضمون را بیان کرده‌اند یا باید حمل بر تقيه کرد و یا باید آنان را به نوعی تأویل نمود.» (همو، ۱/۶۰)

۴-۳- رد اقوال، جلوهای دیگر از اجتهادات تفسیری جزائری

یکی دیگر از مصادیق آرای اجتهادی مؤلف در ذیل آیات، رد قول یا اقوال دیگران است. به عنوان نمونه وی در تفسیر آیه ۱۲ از سوره آل عمران: «**قُلْ لِلّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلِبُونَ وَ تُحَشِّرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَ إِنَّمَا الْمِهَادُ**» و در توضیح عبارت "و تحشرون" ابتدا سخن زیر را از فاضل نیشابوری نقل کرده است:

«این آیه می‌تواند مستندی برای کسانی باشد که قائل به جبر و تکلیف ما لایطاق هستند. زیرا خداوند در این آیه به گونه خبری بیان داشته که کافران به سوی جهنم محشور خواهند شد. بنابراین اگر این کافران ایمان می‌آورند، این خبر دروغ می‌شد. در واقع برای اینکه سخن خداوند دروغ و نادرست از کار درنیاید، کافران مجبورند که کافر بمانند و ایمان نباورند.» (همو ۱/۲۸۸)

سپس در رد سخن نیشابوری به وجوده سه گانه زیر استدلال نموده: «أقول: الجواب عن
وجوده. أولها: أنه من باب ما تستهديه إلى الطريق الواضح فتقول له إن مصيرك إلى جهنم.
مريداً أنه إن بقي على ما هو فيه وهذا شائع في المداولات وثانيها: أنه إنما أخبر عنهم بعد
أن لزموتهم الحجوة واختاروا الكفر وثالثها: أنه إخبار عن علمه القديم المتعلق بأحوالهم؛ من
ميًّاً كويماً ي PASX سخن او را به چند وجه می توان داد. اول آنکه این سخن مانند آن است که تو
به کسی که قصد هدایت او را داری، بگویی عاقبت تو جهنم است! در حالیکه منظور تو آن
است که اگر بر همان گمراهی باقی بماند، این گونه خواهد شد و این نوع گفتگو در
مداولات امری شایع است. دوم آنکه خداوند بعد از اینکه حجت بر آنان تمام شده و آنان
کفر را انتخاب نمودند، این خبر را درباره آنان بیان داشته است. سوم آنکه این سخن به علم
قدیم خداوند در باره احوال کافران اشاره دارد.» (همان)

با بررسی دیگر نظرات تفسیری مؤلف، شاید بتوان بر این اقسام افزود ولی به همین مقدار اکتفا می کنیم.

روایات بدون سند در این تفسیر را یکی از نقاط ضعف آن به حساب آورد و آن را وجه مشترک این تفسیر با غالب تفاسیر مفسران اخباری مسلک دانست.

۴- تصریح به ارائه روایات تفسیری و کلمات مفسران به طور گزینشی و خلاصه که از سوی مؤلف در مقدمه و خاتمه کتاب بیان شده، نمی‌تواند دلیل یا توجیه قانع کننده‌ای بر عدم ذکر منابع مورد استفاده توسط وی باشد. گوینکه این کار بر حاشیه قرآن انجام شده است. چرا که اتقان و اعتبار یک اثر بسته به منابع مورد استناد آن است و نام نبردن از آنها، خواسته یا ناخواسته بر صحت و اعتبار آن خدشه وارد می‌سازد. بنابراین عدم ذکر منابع در اکثر فریب به اتفاق موارد، از دیگر نقاط ضعف این تفسیر می‌باشد.

۵- بیان نکات ادبی، اختلاف قرائات، مباحث اعتقادی به خصوص ذیل آیات ولايت و پرداختن به نکات فقهی در ذیل آیات الاحکام را که برگرفته از نظرات مفسران پیشین است باید از نقاط قوت و امتیازات این تفسیر برشمرد. از این نظر که رویکرد تفسیری وی را به طورکلی در گفتمان اخباری گری تشکیل می‌دهد.

۶- آنجه که این تفسیر را با دیگر تفاسیر اخباری هرچند به طور نسبی متمایز می‌کند ورود به حوزه‌هایی اجتهادی و نظر دهی توسط مفسر است. تاثیر برخی اساتید مانند فرزند ملا صدرا و یا بهره گیری از کسانی مانند محمد باقر مجلسی و فیض کاشانی در این نحوه رویکرد تفسیری بی تاثیر نبوده است..

۵- نتایج مقاله

پس از بیان روش تفسیری مؤلف در ارائه تفسیر و نحوه استناد و استفاده او از منابع و نیز ارائه نمونه‌هایی در این مورد، در یک جمع بندی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱- دقت در نظرات مطرح شده در ذیل آیات و توجه به منابع آنها که محققان اثر در پاورقی خاطرنشان کرده‌اند، گویای آن است که مؤلف در فرازهای گوناگون تفسیر که وجه غالب آن را تشکیل می‌دهد، نظر و رأی جدیدی در مورد آیات و تفسیر آنها نداده است. بلکه گلچینی از روایات تفسیری و نظرات دیگر مفسران را از کتب آنان، در ذیل آیات به صورت خلاصه و چکیده نقل کرده است. در واقع می‌توان هنر مؤلف را در گزینش و انتخاب و نقل نظرات دیگران دانست نه آرای تفسیری مستقل و ارائه آنها به مخاطب.

البته این چیزی است که خود مؤلف نیز به آن اذعان داشته و در ابتدا و انتهای کتاب خود، به آن متنظر شده که قصد نوشتمن تفسیری بر حاشیه قرآن از احادیث تفسیری و کلمات مفسران را داشته است.

۲- اما این یادآوری سبب نمی‌شود که نقد وارد بر آن مبنی بر عدم ارائه نظراتی از خود مؤلف در تفسیر آیات، رنگ بیازد. چرا که بنابر ملاحظات این زمان نمی‌توان چنین کتابی را اثری پژوهشی و تأثیفی نو نامید مگر از جهت قالب و شکل ارائه آرای مفسران گذشته به طور مختصر، همان گونه که مؤلف در مقدمه به بدیع بودن اثرش از این جهت اشاره نموده است.

۳- با توجه به دیدگاه فکری و علمی مؤلف که او را در زمرة اخباریان قرار می‌دهد، جای تعجب نیست که در هیچ یک از روایاتی که در این تفسیر بیان شده، اثری از ذکر سند دیده نمی‌شود. چرا که غالب اخباریان تسامح زیادی در پذیرش روایات دارند و وجود یک روایت در منابع حدیثی به خصوص کتب اربعه را دلیل بر درستی و صحت آن می‌دانند و اعتقادی به بررسی سندی آنها ندارند. اما امروزه ضرورت بررسی سندی و متنی یک روایت به عنوان پیش شرطی برای پذیرفتن آن، امری مسلم و روشن به شمار می‌آید. از این رو باید ذکر

- ۱۰- بحرانی ، یوسف ، *الحدائق الناظرہ* ، قم: موسسه النشر الاسلامی ، ۱۴۱۴ق.
- ۱۱- جزائی، سید نعمت الله، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، قم: انتشارات نور وحی، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۲- همو، منبع الحياة فی حجية قول المجتهد من الاموات، چاپ دوم، قم: موسسه اعلمی، ۱۴۰۱ق.
- ۱۳- خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
- ۱۴- خوبی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، قم: مرکز نشر آثار الشیعه، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۵- حداد عادل، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ش.
- ۱۶- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۸- طوسی، محمد بن حسن، *التبيان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- ۱۹- عیاشی، محمد بن مسعود، *كتاب التفسير*، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۱- معرفت، محمد هادی، *صیانه القرآن من التحریف*، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ق.
- ۲۲- همو، محمد هادی، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب*، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۸ق.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آقا بزرگ تهرانی ، محمد محسن ، الذریعه الى تصانیف الشیعه ، چاپ علی نقی منزوی واحد منزوی ، بیروت: ۱۴۰۳ق.
- ۳- آرمیون، محمد رضا، نادرستی اتساب عدم پذیرش ظواهر قرآن به اخباریان، مجله حدیث اندیشه، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۵- همو، الخصال، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- ۶- استرآبادی ، محمد امین بن محمد شریف ، الفوائد المدنیه ، قم: چاپ رحمه اللهرحمتی اراکی ، ۱۴۲۲ق.
- ۷- امین، محسن، *أعيان الشیعه (۱۲ جلدی)*، چاپ اول، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
- ۸- افندی اصفهانی ، عبد الله بن عیسی، *رياض العلماء و حیاض الفضلاء* قم: چاپ احمد حسینی ، ۱۴۰۱ق.